

## پرده‌ی اول: رهایی

نام نمایش با صفات زیادی گره خورده است: دلک‌بازی، روشنفکری، بهانه برای عیاشی و... . فارغ از اینکه هر کدام از این صفات تا چه حد اساساً به نام نمایش ارتباط دارند و تا چه حد واقعیت دارند، هدف ما بیان روایت جدیدی از نمایش است. ابتدا به ماهیت نمایش می‌پردازیم. یعنی می‌پرسیم نمایش چیست؟ و در گام بعدی عناصری را در نمایش نشان می‌دهیم که درستی این روایت را تایید می‌کند.

اما برگردیم به پرسش اول. نمایش چیست؟ قطعاً پاسخ‌های بسیار «منطقی» در ذهن شما نقش بسته است. تعاریفی فنی از نمایش. اندکی دقیق‌تر بنگرید. نمایش یعنی آفرینش. یعنی خلق انسان، لحظه، واقعه و یک جهان «دیگر». یعنی برای لحظه‌ای چیزی جدید آفریدن که می‌توان آن را به علاقمندان ارائه داد. نمایش یعنی درگیری با تخیل و واقعیت. عناصر واقعیت دستمایه‌ی کار قرار می‌گیرند و آن را در کالبد جدیدی شکل می‌دهند. یعنی هستی دیگری را تجربه کنیم. جوهر نمایش آگاه کردن است. به این معنا که نمایش واقعیتی را به واسطه‌ی بازیگران و بینندگان



سهند مرتضوی

دانشجوی مهندسی شیمی  
دانشگاه تهران

شکل می‌دهد. نمایش ما را در دنیایی فرو چه چیزی از این بررسی روشن می‌شود؟ می‌برد که بعد از نه دیگر بازیگر آن بازیگر روایت جدید از نمایش کجاست؟ در اینجا سابق است و نه دیگر بیننده‌ی آن. در نمایش به رهایی بخش بودن نمایش می‌رسیم. ارتباط میان بازیگران و تماشاگران همان روایت رهایی بخش نمایش را باید در عناصر شکل متعارف زندگی روزمره نیست بلکه سازنده‌ی نمایش جست: درگیری با واقعیت و شکلی جدیدی پیدا می‌کند. آگاهی آن‌ها تخیل، ما را به سوی خلق چیزی جدید و رای بدلیل تغییر رابطه‌ی میان آن دو دستخوش آنچه که هست سوق می‌دهد. و رای واقعیت تغییر می‌شود. البته رسالت نمایش و هنر، موجود و تصور آنچه که می‌تواند باشد. چنین صرفاً آگاهی دادن به تماشاگرانش نیست بلکه روایت رهایی بخشی نمایش اندیشه‌ی ما را همانطور که برتولت برشت می‌گوید، اجرای پویا می‌کند، آن را در چهارچوبی بسته و یک نمایش و در واقع حضور در آن همچون واقعیتی صلب قرار نمی‌دهد.

برگی از تنه‌ی درخت نمایش، خود بخشی از این آگاهی یافتن است. این تصور که جایگاه بازیگر در نمایش رفیع‌تر از تماشاگر است، سخنی که رواج نادرستی یافته، اساساً اشتباه است. بازیگر است که از خلال اجرا، و به دلیل حضور در جریان نمایش و به کار گرفتن خلاقیتش آگاه می‌شود. در تکاپوی اجرای نمایش و ایفای نقش دیگری، نخست بازیگر است که از این جایگاه آگاه می‌شود. پایبندی به چنین درکی از نمایش را نباید فراموش کرد. بازیگر در اجرای نقش خود رسالت هنر را، که پیوند با مردم است انجام می‌دهد و آگاه می‌شود و آگاه می‌کند.